

مطابقت فعل و فاعل^۱ در دو زبان فارسی و انگلیسی

سیدجلیل شاهری لنگرودی

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران جنوب

چکیده

یکی از مواردی که به هنگام نوشتن، احتمال وقوع اشتباه یا خطا در آن بسیار است - به ویژه در زبان فارسی - مطابقت فعل و فاعل است. در این مقاله سعی شده است این مقوله با نگاهی تطبیقی در دو زبان فارسی و انگلیسی، و بیشتر از زاویه ویرایش، بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: مطابقت، شناسه، شخص، شمار، گروه اسمی، نهاد، فعل، مفرد، جمع، اسم، هسته گروه اسمی، شمارش پذیر، شمارش ناپذیر.

یکی از ویژگی‌های فعل، شخص^۲ و شمار^۳ است. در زبان فارسی، شخص و شمار از روی شناسه فعل (که در پایان فعل می‌آید و همیشه با آن همراه است)^(۱)، به راحتی قابل تشخیص است؛ اما از آنجا که فعل در زبان انگلیسی شناسه ندارد (جز فعل زمان حال ساده سوم شخص مفرد)، شخص و شمار با فعل مشخص نمی‌شود؛ در نتیجه، مطابقت فعل و فاعل از نظر شخص و شمار در زبان انگلیسی فقط در مورد فعل‌های (am, is, are; was, were) to be به عنوان فعل اصلی یا کمکی، have/has (چه

1. subject-verb agreement

2. person

3. number

هوار، کلمان. ایران و تمدن ایرانی. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.

منابعی برای اطلاع بیشتر

- برای اطلاع بیشتر درباره وضعیت باستانی و تاریخی ایران و یونان، به منابع زیر مراجعه شود:
 آربری، ا. ج. ۱۳۴۶. میراث ایران. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
 بهرامی، مهدی. ۱۳۲۳. «روابط صنعتی ایران با اروپا در دوران باستان»، مجله آموزش و پرورش، س ۱۴، ش ۷.
 پیرنیا، حسن. ۱۳۱۱. ایران باستان. تهران: دنیای کتاب.
 جوان، موسی. ۱۳۴۰. تاریخ اجتماعی ایران باستان. تهران: انتشارات چاپخانه نگین.
 چندتن از خاورشناسان. ۱۳۴۶. تمدن ایرانی. ترجمه عیسی بهنام. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
 زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۴. روزگاران ایران. تهران: انتشارات سخن.
 فرای، ریچارد ن. ۱۳۶۸. میراث باستانی ایران. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 فروغ، مهدی. ۱۳۴۷. «ایران و درام‌نویسان بزرگ جهان»، هنر و مردم، ش ۷۸-۷۷، اسفند ۱۳۴۷ و فروردین ۱۳۴۸.
 مشکور، محمدجواد. ۱۳۴۷. تاریخ ایران در عهد باستان. تهران: دانشسرای عالی.
 همایون، غلامعلی. ۱۳۴۳. «اثرات هنر ایرانی بر یونان»، هنر و مردم، ش ۱۲، ش ۱۴۳، شهریور.
 – درباره مقایسه ایلیاد و شاهنامه، به منابع زیر رجوع شود:
 اسلامی ندوشن، محمدعلی. ۱۳۵۴. «فردوسی و هومر»، در کتاب آواها و ایماها، تهران: توس.
 بدوی، امین عبدالمجید. ۱۳۵۴. «سنجش میان شاهنامه فردوسی و دو منظومه ایلیاد و اودیسه همر»، بررسی‌هایی درباره شاهنامه فردوسی، از انتشارات مجله فرهنگ و زندگی. به مناسبت برگزاری نخستین جشنواره توس، ص ۲۹-۶۱.
 بهار، مهرداد. ۱۳۷۳. جستاری چند در فرهنگ ایران. تهران: انتشارات فکر روز. (ص ۵۵-۵۰)
 جمالی، کامران. ۱۳۶۸. فردوسی و هومر. تهران: اسپرک.
 غنیمی هلال، محمد. ۱۳۷۳. ادبیات تطبیقی. ترجمه و تحشیه و تعلیق از سیدمرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: امیرکبیر. (بخش ملحقات: «شاهنامه فردوسی و ایللیاس امیروس» از نصرالله

مطابقت فعل و فاعل در دو زبان فارسی و انگلیسی ۱۰۷

اما am و is فعل‌هایی هستند که دو ویژگی شخص و شمار در آنها هست و برای تشخیص این دو ویژگی، برخلاف صورت‌های دیگر فعل to be، نیازی به نهاد جمله (یا بافت جمله در مورد you) نیست؛ چراکه am فقط برای اول شخص مفرد به کار می‌رود (همان):

1. I am from England.

من انگلیسی هستم.

و is فقط برای سوم شخص مفرد به کار می‌رود (همان):

2. She is from England.

او انگلیسی است.

3. Mary is from England.

مری انگلیسی است.

در زبان فارسی و انگلیسی، بین گروه اسمی نهاد و فعل از نظر شخص و شمار مطابقت وجود دارد (در زبان فارسی، بین نهاد و شناسه فعل) (مشکوة الدینی، ۱۳۷۴: ۸۹). این مطابقت در شخص ضروری است، یعنی هرگاه مثلاً نهاد اول شخص باشد، گزاره هم اول شخص است؛ و در مورد شمار، قاعده کلی این است که اگر نهاد مفرد باشد، فعل هم مفرد و اگر نهاد جمع باشد، فعل هم جمع است:

جدول مطابقت شناسه فعل با نهاد (از جهت شخص و شمار) در زبان فارسی

فعل جمع		نهاد جمع	فعل مفرد		نهاد مفرد
شناسه جمع			شناسه مفرد		
یم	می‌رو	ما	م	می‌رو	من
ید	می‌رو	شما	ی	می‌رو	تو
ند	می‌رو	آنان/ایشان/آنها	د	می‌رو	او(واسم خاص)

پس هر نهاد، شناسه خاص خود را دارد:



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مطابقت اجباری: وقتی است که نهاد جمع است و جاندار، یا گوینده نهاد را جاندار فرض می‌کند؛ که در این صورت فعل نیز جمع است:

آدم‌ها می‌آیند و می‌روند؛ و وقتی می‌روند، چیزی از آنها باقی نمی‌ماند جز نام نیک یا بد.

۲. مطابقت اختیاری: وقتی است که نهاد جمع است و بی‌جان، یا گوینده نهاد را جاندار فرض نمی‌کند؛ که در این صورت فعل را می‌توان مفرد یا جمع به کار برد و این به طرز تلقی گوینده بستگی دارد: در جایی که فردیت (تک تک موارد) برای او مطرح نیست بلکه می‌خواهد حکم کلی بدهد یا مطلبی کلی بگوید، فعل مفرد به کار می‌برد:

۱. برگ‌های درختان در پاییز می‌ریزد.

۲. این ظرف‌ها شکستنی است.

۳. همین نهال‌های کوچک روزی میوه خواهد داد.

در این سه مثال، تک تک برگ‌های درختان یا ظرف‌ها یا نهال‌ها مطرح نیست بلکه منظور، توده یا کل درختان یا ظرف‌ها یا نهال‌ها است.

اما در جایی که گوینده تک تک موارد را در نظر دارد، فعل جمع به کار می‌برد:

۱. برگ‌های درختان می‌ریزند.

۲. این ظرف‌ها شکستنی هستند.

۳. همین نهال‌های کوچک روزی میوه خواهند داد.

در این سه مثال، توده یا کل برگ‌های درختان یا ظرف‌ها یا نهال‌ها مطرح نیست، بلکه اشاره به برگ‌هایی است که در حال ریزش‌اند یا تک تک ظرف‌ها یا نهال‌ها مدنظر است.

در زبان انگلیسی، تقسیم‌بندی به جاندار و غیرجاندار وجود ندارد و قاعده کلی «نهاد جمع ← فعل جمع» در هر دو مورد صادق است:

1. The girl is resting.

3. The book is on the table.

2. The girls are resting.

4. The books are on the table.

به عنوان فعل اصلی و چه به عنوان فعل کمکی) و فعل زمان حال ساده (که در سوم شخص مفرد، s یا es به پایان فعل اضافه می شود) مطرح است.

فعل to be تنها فعلی است که تمایز بین مفرد یا جمع در شکل گذشته آن (was, were) هم مطرح است (گرین باثوم^۱ ۱۹۹۶: ۲۳۸):

1. When I was a child, I was afraid of dogs.

وقتی بچه بودم، از سگ‌ها می ترسیدم.

2. We were hungry after the journey but we weren't tired.

بعد از سفر گرسنه بودیم اما خسته نبودیم.

همچنین، از بین صورت‌های زمان حال ساده این فعل، are تنها صورتی است که از روی آن نمی توان به شخص پی برد (زیرا هم برای اول شخص جمع و هم برای دوم شخص و سوم شخص جمع به کار می رود) و در مورد دوم شخص، صورت جمع یا مفرد آن را هم نمی توان مشخص کرد مگر در بافت جمله یا اینکه از قبل برای مخاطب مشخص باشد:

1. You are from England.

تو انگلیسی هستی. / شما انگلیسی هستید.

2. We are from England.

ما انگلیسی هستیم.

3. They are from England.

آنها انگلیسی هستند.

4. John and Mary are from England.

جان و مری انگلیسی هستند.

5. The books are on the table.

کتاب‌ها روی میز است.

terms of the proposal.

(اعضای) کمیته درباره شرایط پیشنهاد بین خودشان اختلاف دارند.

بعضی اسامی جمع نیز وجود دارد که در زبان انگلیسی همیشه با فعل جمع می‌آیند؛

از جمله: minority, majority, police.

علاوه بر این سه نوع تقسیم‌بندی برای اسم از نظر شمار (مفرد، جمع، و اسم جمع)، نوع دیگری برای اسم قائل‌اند و آن اسم مجموعه است. تفاوت اسم مجموعه و اسم جمع این است که اسم جمع اسمی است که نشانه جمع ندارد ولی جمع است و بنابراین با فعل جمع به کار می‌رود (مثال: مردم ایران نوع دوست‌اند)؛ اما اسم مجموعه، اسم واحد است و زیرمجموعه دارد لیکن جمع نیست و با توجه به تلقی گوینده، با فعل مفرد / جمع به کار می‌رود (همانند اسامی جمع بی‌جان). «جات» و «آلات»، پسوندهای مجموعه‌ساز، طبقه‌ساز یا نوع‌ساز هستند؛ برای مثال: سبزیجات (یعنی سبزی و انواع آن)، کارخانجات، آهن‌آلات... (۶)

در هر دو زبان فارسی و انگلیسی، اگر نهاد گروه اسمی باشد، فعل با هسته گروه اسمی

مطابقت می‌کند:

1. His technique for solving crimes is very simple.

تکنیک (روش) او برای کشف جرایم خیلی ساده است.

2. My neighbors are threatening that they will call the police if I

continue to play such loud music.

همسایگان من تهدید می‌کنند که اگر به نواختن موسیقی با این صدای بلند ادامه

دهم، به پلیس اطلاع می‌دهند.

در زبان انگلیسی، بعضی اسامی که در پایان آنها پسوند جمع‌ساز است، در رده اسامی

غیرقابل شمارش مفرد قرار می‌گیرند و در نتیجه با فعل مفرد به کار می‌روند:

1. The news about the war is not good.

اخبار جنگ خوشایند نیست.

من.....م
 ما.....یم
 تو.....ی
 شما.....ید
 او (و اسم خاص یا عام) ...د/د/د آنان /ایشان /آنهاند

جدول مطابقت فعل با نهاد (از نظر شخص و شمار) در زبان انگلیسی^۲

نهاد مفرد	فعل	نهاد جمع	فعل
I	am, have, زمان حال ساده بدون s یا es	we	are, have زمان حال ساده بدون s یا es
you	are, have, زمان حال ساده بدون s یا es	you	are, have, زمان حال ساده بدون s یا es
he, she, it, (۲) اسم‌های خاص و عام	is, has, زمان حال ساده + s یا es	they ^۳	are, have, زمان حال ساده بدون s یا es

در زبان فارسی، از نظر مفهومی و اینکه نهاد جمع و جاندار^۴ باشد یا جمع و بی جان^۵، دو نوع مطابقت وجود دارد:

۱. و اسم خاص بیش از یکی به صورت همپایه با «و»، (مثلی «حسن و علی») و اسم عام به صورت جمع (مثلی «دانشمندان»).
۲. برای افعالی که مطابقت فعل و فاعل در مورد آنها مطرح است؛ یعنی افعال to be, to have و فعل زمان حال ساده.
۳. و اسامی خاص بیش از یک نفر به صورت همپایه با and (مثلی John and Mary)، و اسامی عام جمع (مثلی mothers).

4. animate

5. inanimate

۱. یکی آمد.

۲. کسی رفت.

۳. هر کسی موافق است، دستش را بلند کند.

4. Everyone is expected to do his best.

از هر کسی انتظار می‌رفت حداکثر سعی خود را بکند.

5. Everybody in the office seems pleased with the raise he has received.

به نظر می‌رسد هر کسی در اداره با افزایش حقوقی که دریافت کرده، راضی (خوشحال) است.

«هر» و «هیچ» در زبان فارسی و معادل آنها در زبان انگلیسی با فعل مفرد به کار می‌روند (هرچند که در انگلیسی غیررسمی با فعل جمع هم ممکن است به کار روند):

۱. هیچ کارمندی امروز به موقع سرکارش حاضر نشده است.

2. Each student is bringing his lunch.^(۸)

هر دانش‌آموز ناهارش را می‌آورد.

«هریک» («هر یکی») در نقش ضمیر (به معنای «هرکس که») با فعل مفرد به کار می‌رود ولی اگر به همراه متمم به کار رود، همانند «هر کدام»، «هیچ یک» و «هیچ کدام»، فعل مفرد یا جمع می‌گیرد:

۱. هر یک به راه خود رفت.

۲. هر یک از ما می‌دانیم شیرینی برای بیماران قندی سم است.

هریک از ما می‌داند شیرینی برای بیماران قندی سم است.

۳. هیچ یک از ما نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاده است.

هیچ یک از ما نمی‌داند چه اتفاقی افتاده است.

neither در زبان انگلیسی با فعل مفرد به کار می‌رود:

Neither of the girls has done her homework.

هیچ یک از دختران تکلیف خود را انجام نداده است.

در زبان انگلیسی، از این نظر، اسم‌ها را به شمارش‌پذیر^۱ و شمارش‌ناپذیر^۲ تقسیم می‌کنند. شمارش‌پذیرها، اسم‌هایی هستند که پسوند جمع‌ساز s یا es می‌پذیرند^(۳) و در نتیجه، فعل جمع می‌گیرند (چه جاندار باشند چه بی‌جان)؛ ولی اسامی غیر قابل شمارش (شمارش‌ناپذیر) پسوند جمع‌ساز s یا es نمی‌پذیرند و در نتیجه فعل مفرد می‌گیرند (فرانک^۳، ۱۹۷۲: ۱۳-۱۴). به دو مثال زیر توجه کنید (در جمله‌های بیرون پرانتز، نهاد شمارش‌ناپذیر است و تبعاً بدون پسوند جمع‌ساز s و بنابراین فعل مفرد با آنها به کار رفته ولی نهاد جمله‌های داخل پرانتز شمارش‌پذیر است و پسوند جمع‌ساز s گرفته و بنابراین فعل جمع با آنها به کار رفته است). اما در ترجمه هر دو جمله (هم بیرون و هم داخل پرانتز) به فارسی، نهاد با فعل مفرد به کار رفته است (چراکه نهاد جمله‌ها بی‌جان است)^(۴):

1. His baggage was lost yesterday. (His bags were lost yesterday.)

2. This information is correct. (These facts are correct.)

۱. باروبنه او دیروز گم شد. (کیف‌های یا ساک‌های او دیروز گم شد.)

۲. این اطلاعات صحیح است. (این مطالب صحیح است.)^(۵)

مسئله تلقی‌گوینده (فردیت یا توده) که در زبان فارسی درباره نهاد جمع و بی‌جان توضیح داده شد، در زبان انگلیسی امریکایی در مورد اسم جمع^۲ مطرح است. در زبان انگلیسی، اسم جمع در جای نهاد جمله، معمولاً با فعل مفرد به کار می‌رود مگر اینکه روی تک‌تک اعضای آن واحد جمع تأکید شود (همان، ص ۱۴):

The committee has been preparing a new proposal.

کمیته پیشنهاد جدیدی ارائه کرده است.

اما:

The committee have disagreed among themselves about the

1. countable

2. uncountable یا noncountable

3. Frank, Marcella

4. collective noun

«همه» و «بیشتر یا اکثر» به عنوان ضمیر با فعل جمع به کار می‌روند:
همه آمدند.

بیشتر با او موافق‌اند. (=بیشتر افراد)

اما اگر متمم داشته باشند، با توجه به متمم (مفرد یا جمع)، با فعل مفرد یا جمع به کار می‌روند:

همه آنان در مهمانی حضور داشتند.

همه (=کل) کتاب با حروف سیاه زده شده است.

بیشتر اعضا به او رأی دادند.

بیشتر کار انجام شد. (=قسمت اعظم کار انجام شد).

در زبان انگلیسی، ضمایری که بر مقدار یا شمار نامعین دلالت دارند مثل some (بعضی)، all (همه)، none (هیچ)، most (بیشتر)، اگر متمم داشته باشند، با فعلی به کار می‌روند که با متمم آنها مطابقت داشته باشد (فرانک، ۱۹۷۲: ۲۹):

1. Some of the machines need to be repaired.

بعضی از ماشین‌ها به تعمیر نیاز دارند.

Some of the machinery needs to be repaired.

بعضی ماشین‌آلات به تعمیر نیاز دارند.

2. All of the statistics on the report are correct.

همه آمار (ارقام) گزارش صحیح است.^۱

All of the information on the report is correct.

همه اطلاعات درباره گزارش صحیح است.^۲

3. None of the pies were eaten.^۳

۱. آمار (ارقام) جمع بی‌جان است و بنابراین با فعل مفرد به کار رفته است.

۲. «اطلاعات» جمع بی‌جان است و بنابراین با فعل مفرد به کار رفته است.

۳. در بعضی کتاب‌های درسی نوشته شده است که با none فقط فعل مفرد باید به کار برده شود.

2. Physics is a difficult subject.

فیزیک درس مشکلی است.

برخی اسامی نیز در زبان انگلیسی شکل مفرد و جمعشان یکسان است؛ مثل series (سری)، means (وسیله)، species (گونه).^(۷)

پاره‌ای از اسامی هم فقط جمع‌اند و به فعل جمع نیاز دارند؛ مثل brains (مغز)، riches (ثروت، دارایی، مال)، goods (کالا)، clothes (جامه، لباس). اسم‌هایی هم که بر اشیای دوجزئی دلالت دارند، در این رده قرار می‌گیرند؛ مثل scissors (قیچی)، trousers (شلوار)، eyeglasses (عینک). تعدادی از این دسته اسامی نیز با فعل مفرد به کار می‌روند؛ مثل headquarters (قرارگاه)، barracks (پادگان).

در هر دو زبان انگلیسی و فارسی، اسم‌هایی که به مقدار و کمیت دلالت دارند، اگر یک واحد در نظر گرفته شوند، مفرد به‌شمار می‌روند و فعل مفرد می‌گیرند؛ مثال:

Five dollars is too much to pay for that pen.

پنج دلار برای آن قلم خیلی زیاد است.

صفات در نقش اسم نیز اغلب به گروهی از اشخاص دلالت می‌کنند و در هر دو زبان فارسی و انگلیسی فعل جمع می‌گیرند؛ با این تفاوت که در زبان انگلیسی قبل از آنها حرف تعریف معین the می‌آید ولی در زبان فارسی بدون معرف به کار می‌روند:

1. The Scotch have the reputation of being thrifty.

اسکاتلندی‌ها به صرفه‌جو بودن مشهورند.

2. The rich get richer, while the poor get poorer.

ثروتمندان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می‌شوند.

۳. تیزهوشان فردا امتحان دارند.

۴. سارقان به‌دام افتادند.

یکی، کسی، هرکسی در زبان فارسی، همانند زبان انگلیسی با فعل مفرد به کار

می‌روند:

The groom and the best man were an hour late.

داماد و ساقدوش یک ساعت دیر کرده بودند.

اما اگر دو گروه اسمی به یک مورد واحد اشاره کنند، فعل مفرد می‌گیرند (گرین باثوم،

۱۹۹۶: ۲۳۹):

The Stars and Stripes was draped over Mr. Kempner's coffin last Tuesday at his funeral in Johannes Kriche in Berlin, the same Lutheran chapel where he was baptized.

سه‌شنبه قبل در مراسم خاک‌سپاری آقای کمپنر در یوهانس کریچه در برلین - همان کلیسای لوتری که در آنجا تعمید داده شد - ستاره‌ها و درجه‌ها از تابوت او آویزان بود.

در زبان فارسی هم اگر گروه اسمی در جای نهاد با «و» همپایه شده باشند، فعل جمع با آنها به کار می‌رود؛ اما از آنجا که در شناسه فعل در زبان فارسی هم شخص و هم شمار وجود دارد، قواعد دیگری نیز درباره مطابقت شخص مطرح است؛ از جمله:

۱. اگر من یا ما همراه شخص دیگری در نهاد قرار گیرد، فعل به صورت اول شخص

جمع می‌آید (زبان فارسی ۳ و ۴ دبیرستان، ۱۳۷۸: ۸):

من و تو آمدیم.

تو و من آمدیم.

من و حسین رفتیم.

علی و ما رفتیم.

حسن و من رفتیم.

۲. اگر تو یا شما همراه شخص دیگری - جز من و ما - در جای نهاد قرار گیرد، فعل

به صورت دوم شخص جمع می‌آید (همان):

تو و او می‌روید.

او و تو می‌روید.

none (هیچ کدام) در زبان انگلیسی، همانند زبان فارسی، با فعل مفرد یا جمع به کار می‌رود (گرین‌باثوم، ۱۹۹۶: ۲۴۰)؛ و به کارگیری فعل مفرد یا جمع، به مفرد یا جمع بودن متمم none بستگی ندارد (همان، ص ۲۴۱):

1. We all know in our own lives what changes the last ten years have brought but none of us knows the picture overall and that's what the census supplies.

همه ما می‌دانیم در ۱۰ سال آخر زندگی ما چه تغییراتی رخ می‌دهد ولی هیچ‌یک از ما تصویر کلی آن را نمی‌دانیم/نمی‌داند و این چیزی است که همه روی آن توافق دارند.

2. There are many origami yachts, boats and ships, but none are as simple or as full of movement as this wonderful design by Japan's First Lady of origami, Mrs Toshie Takahama.

قایق‌ها، بلم‌ها و کشتی‌های اریگامی* زیادی وجود دارد؛ اما هیچ‌یک به سادگی یا پر جنب و جوشی این طرح عالی از بانوی نخست اریگامی ژاپن، خانم توشی تاکاهاما، نیست.

«بعضی» در زبان فارسی چه متمم داشته و چه نداشته باشد، در هر حال با فعل جمع به کار می‌رود:

هرگاه بعضی در نقش فاعل (یا مسندالیه) به کار رود، خواه متمم داشته (مثل «بعضی از آدمیان» در مثال زیر) یا نداشته باشد، معمولاً فعل جمله به صیغه جمع آورده می‌شود:

«بعضی از آدمیان هستند که اگرچه شراب بسیار خورند، هرگز مست نشوند» (جوامع الحکایات، ج ۱، قسم ۳، ص ۸)

«این عالم به‌غایت ساحر است و بعضی به سحر وی فریفته می‌شوند و بعضی... به سحر وی فریفته نمی‌شوند» (کتاب الانسان الكامل، ص ۴۲۶)

(نجفی، ۱۳۶۷: ۴۷)

*. هنر ژاپنی ساختن گل و حیوانات کاغذی. (آریان‌پور، ۱۳۷۷: ۳۶۴۴-۳۶۴۳)

او یا..... (و....) می‌رود.

در زبان انگلیسی، با دو گروه اسمی که با both....and همپایه شده‌اند، فعل جمع به کار می‌رود (واشینگتن پولاک^۱، ۱۹۸۲: ۶۲):

Both my brothers and my sisters are arriving tonight.

در این صورت، چه نهاد به شکل «هم...و هم» ترجمه شود و چه دو گروه اسمی در جای نهاد با «و» همپایه شوند، فعل جمع به کار می‌رود:

برادرانم و خواهرم امشب می‌رسند.

هم برادرانم و هم خواهرم امشب می‌رسند.

ولی اگر جمله با «هم...هم» به شکل دو جمله مستقل و همپایه ترجمه شود، به دو فعل نیاز است (زیرا شخص و شمار دو فعل متفاوت است):

هم برادرانم امشب می‌رسند هم خواهرم می‌رسد.

با eitheror (یا...یا) اگر هر دو گروه اسمی در جای نهاد، مفرد باشند، فعل مفرد به کار می‌رود (همان، ص ۵۵):

Either my roommate or I am going to go to the party.

در این مثال، هر دو گروه اسمی مفردند، بنابراین فعل مفرد است؛ ولی از نظر شخص، فعل با گروه اسمی بعد از or مطابقت کرده است. در زبان فارسی به دلیل تفاوت شخص و شمار دو فعلی که با این دو گروه اسمی به کار می‌روند، به دو فعل نیاز است:

یا هم‌اتاقی من به جشن می‌رود یا من می‌روم.

و اگر دو گروه اسمی در جای نهاد، جمع باشند، فعل جمع به کار می‌رود (همان):

Either my parents or my sisters are going to visit me this summer.

یا والدینم یا خواهرانم این تابستان به دیدن من می‌آیند.

این تابستان، یا والدینم به دیدن من می‌آیند یا خواهرانم.

اما اگر یکی از گروه‌های اسمی مفرد و دیگری جمع باشد، فعل با نهاد بعد از or (یا

هیچ شیرینی پای خورده نشد.

None of the dessert was eaten.

هیچ دسری خورده نشد.

4. Most of his bags were lost on his last trip.

بیشتر ساک‌های او در مسافرت آخرش گم شد.^۱

Most of his luggage was lost on his last trip.

بیشتر باروبنه^۲ او در مسافرت آخرش گم شد.

همین حکم در مورد واژه‌هایی هم که به بخشی از چیزی – مثل half (نصف، نیمی)،

rest (بقیه)، remainder (باقیمانده) – یا کسری از چیزی – مثل one third

(یک‌سوم)، three fourths (سه‌چهارم) – دلالت دارند، در زبان فارسی و انگلیسی،

صادق است:

۱. نصف کیک خورده شد.

نیمی از اعضا در جلسه حاضر بودند.

۲. یک‌سوم اعضا غایب‌اند.

یک‌سوم سبب کرم‌زده است.

3. Half of the pie was eaten.

نصف کیک خورده شد.

Half of the pies were eaten.

نیمی از کیک‌ها خورده شد.^۲

نهادهای همپایه^۳: وقتی نهاد بیش از یک گروه اسمی است، اگر نهادها با and به هم

وصل شده باشند، فعلی که با آنها به کار می‌رود، جمع است (مسنجر^۴ و تایلر^۵، ۱۹۸۹:

۱. «ساک‌ها» جمع بی‌جان است و بنابراین با فعل مفرد به کار رفته است.

۲. «کیک‌ها» جمع بی‌جان است و بنابراین با فعل مفرد به کار رفته است.

3. co-ordinated noun phrases as subject 4. Messenger, William E.

5. Tylor, Peter A.

در جملاتی که *there* حشو^۱ یا وجودی^۲ (*there + to be*) به معنای «وجود داشتن» در جای نهاد قرار می‌گیرد، فعل با نهاد واقعی^۳ که بعد از ساخت *there + be* ظاهر می‌شود، مطابقت می‌کند (فرانک، ۱۹۷۲: ۳۰):

1. There is a book on the desk.

کتابی روی میز است.

2. There are some books on the desk.

تعدادی کتاب روی میز است.

زیرا ساخت اصلی این نوع جملات به صورت زیر است:

1. A book is on the desk

2. Some books are on the desk.

با *it* حشو یا جمله پرکن^۴ نیز فقط فعل مفرد (*is*) به کار می‌رود (همان)^(۹):

It's cold outside.

هوای بیرون سرد است.

برای بندهای اسمی^۵ در جای نهاد جمله، فعل مفرد به کار می‌رود (گرین‌یائوم، ۱۹۹۶:

۲۳۹):

That many people are starving is true. / It is true that many people are starving.

اینکه بسیاری از مردم گرسنه‌اند،^۶ واقعیت دارد. / واقعیت دارد که بسیاری از مردم گرسنه‌اند.

اما در مورد بندهای اسمی موصولی^۶ (بندهایی که با *wh* شروع می‌شوند)، مفرد یا جمع بودن فعل جمله بستگی دارد به اینکه موصول اسمی^۷ را مفرد تلقی کنیم یا جمع (هرچند

1. expletive there

2. existential there

3. actual subject

4. expletive it

5. nominal clauses

6. nominal relative clauses

7. nominal relative pronoun

تو و آنها می‌روید.

تو و ایشان می‌روید.

شما و... می‌روید.

۳. بدیهی است که اگر دو گروه اسمی سوم شخص (مفرد یا جمع) همپایه شده باشند،

فعل سوم شخص جمع برای آنها به کار می‌رود:

حسن و علی رفتند.

او و حسن رفتند.

آنها و حسن رفتند.

اگر دو گروه اسمی با as well as (نیز) یا in addition to (علاوه بر) همپایه شده

باشند، فعل مفرد می‌گیرند:

The groom, as well as the best man, was an hour late.

داماد و نیز ساقدوش یک ساعت دیر کردند.

ملاحظه می‌شود که «و نیز» (معادل as well as در زبان فارسی) در ترجمه فارسی

جمله انگلیسی با فعل جمع به کار رفته است.

in addition to نیز در زبان فارسی در این جا – یعنی وقتی برای همپایه کردن دو

گروه اسمی در جای نهاد به کار می‌رود – اگر به «و» ترجمه شود، فعل جمع می‌گیرد:

The groom, in addition to the best man, was an hour late.

داماد و ساقدوش یک ساعت دیر کردند.

ولی اگر به «علاوه بر» ترجمه شود، فعل مفرد می‌گیرد:

علاوه بر ساقدوش، داماد نیز یک ساعت دیر کرد.

در زبان فارسی، اگر دو گروه اسمی به جای و با همپایه شده باشند، فعل با گروه

اسمی پیش از با مطابقت می‌کند؛ زیرا آنچه پس از با می‌آید، جزء نهاد نیست:

من با... (و...) می‌روم.

تو با... (و...) می‌روی.

به جای ضمیر «او» و شناسه سوم شخص هم ضمیر «ایشان» و شناسه جمع به کار می رود:

او رفت. ← ایشان رفتند.

ضمیر اول شخص مفرد نیز گاه به صورت «ما» درمی آید؛ و آن وقتی است که نویسنده یا سخنران از سر فروتنی، در واقع خوانندگان یا شنوندگان را با خود شریک می کند:

من معتقدم. ← ما معتقدیم.

در این حالت، فعل نیز به صورت جمع به کار می رود به این قصد که گوینده یا نویسنده نشان دهد سخن یا نوشته خود، حاصل فکر جمع است نه فرد.

گزینش گونه مؤذبانه، در انتخاب واژگان نیز تأثیر می گذارد و معمولاً معادل های مؤذبانه انتخاب می شود، طبق جدول زیر:

گونه مؤذبانه		گونه معمولی
در باره مخاطب	در باره خود	
	بنده	من
شما / حضرت عالی / جناب عالی / سرکار	-	تو
تشریف آوردن / تشریف فرما شدن	خدمت رسیدن / تشریف نشدن	آمدن
تشریف بردن	مرخص شدن / رفع زحمت کردن	رفتن
فرمودن	عرض کردن / به عرض رساندن	گفتن
میل کردن / فرمودن / نوش جان کردن	صرف کردن / صرف شدن	خوردن
مرحمت کردن	تقدیم کردن	دادن
تشریف داشتن	-	بودن
امر / اراده کردن / فرمودن	استدعا / خواهش / تمنا کردن	خواستن
ملاحظه کردن / فرمودن	-	دیدن

در ضمن، در گونه مؤذبانه، برای احترام، در فعل امر به جای هر فعلی، از «بفرمایید»

نزدیک‌ترین نهاد به فعل) مطابقت می‌کند (همان):

1. Either my parents or my sister is going to visit me.

یا والدینم به دیدنم می‌آیند یا خواهرم می‌آید.

2. Either my sister or my parents are going to visit me.

یا خواهرم به دیدنم می‌آید یا والدینم می‌آیند.

همین قواعد در مورد neither...nor (نه...نه) در دو زبان انگلیسی و فارسی صادق

است (همان، ص ۵۸-۵۹):

1. Neither Maria nor Jabria is coming to the party.

نه ماریا به مهمانی می‌آید نه جبریا.

2. Neither the teachers nor the students want an extra week of classes.

نه معلمان به یک هفته کلاس اضافی (جبرانی) تمایل دارند نه دانش‌آموزان.

3. Neither the director nor the teachers want an extra week of classes.

نه مدیر به یک هفته کلاس اضافی (جبرانی) تمایل دارد نه معلمان تمایل دارند.

4. Neither the teachers nor the director wants an extra week of classes.

نه معلمان به یک هفته کلاس اضافی (جبرانی) نیاز دارند نه مدیر تمایل دارد.

در جمله‌های مجهول، فعل از نظر شخص و شمار با نهاد جدید متناسب است:

۱. علی دوستان ما را دید.

دوستان ما دیده شدند.

2. She sees me every day.

I am seen every day by her.

in the civil service.

بی تردید از اوضاع «اسمیت و جونز» آگاهید؛ که در آن، محدودیت سنی ۲۷ و ۳۵ سال (۳۵ سال برای کارکنان بهداشت)، غیرمستقیم تبعیض علیه زنان در دستگاه اداری شمرده می شود.

3. The results of that in pollution and wasted natural resources every year is shameful.

آثار این امر در آلودگی و منابع طبیعی به هدر رفته شرم آور است.

در مثال ۱، هسته گروه اسمی depopulation است، اما صورت جمع centuries بلافاصله قبل از فعل appear قرار گرفته که در نتیجه، تحت تأثیر اسم جمع قبل از خود، به صورت جمع به کار رفته است (که باید ویرایش شود و به appears تغییر کند). در مثال ۲، were تحت تأثیر اسم جمع years (و شاید هم تحت تأثیر اسم جمع staff که در انگلیسی بریتانیایی اغلب جمع در نظر گرفته می شود)، به صورت جمع به کار رفته است، با وجود آنکه limit - هسته گروه اسمی مورد نظر - مفرد است (و بنابراین were باید ویرایش و به was تبدیل شود). از سوی دیگر، در مثال ۳، اسم مفرد year احتمالاً به استفاده از فعل مفرد is منجر شده است، بدون توجه به اسم جمع results که هسته گروه اسمی است.

در زبان فارسی نیز مطابقت فعل و فاعل، با توجه به مواردی که در این مقاله بحث شد - به ویژه مطابقت اختیاری برای نهاد جمع و بی جان - همیشه مشکل ساز بوده است و تمامی آثار و نوشته ها از این نظر به بازبینی و ویرایش نیاز دارند.

پی نوشت ها

۱. در زبان فارسی - که جزو زبان های ضمیرانداز (pro-drop) است - دو نوع نهاد وجود دارد: الف - نهاد اجباری یا پیوسته یا متصل که شناسه فعل است؛ و از این جهت به آن نهاد اجباری می گویند که نمی توان آن را حذف کرد، حتی در فعل گذشته ساده سوم شخص مفرد نیز نمی توان

که صورت جمع آن کمتر اتفاق می افتد) (همان):

1. What she said was excellent.

آنچه گفت، فوق العاده بود.

2. What we are going to have now are speeches.

آنچه الآن خواهیم داشت، صحبت‌ها است.

در مورد عنوان آثار و نقل قول‌ها و استنادها، حتی اگر صورت جمع داشته باشند، فعل مفرد به کار می‌رود (همان، ص ۲۴۰):

1. Larry Niven's "The Integral Trees" is not set in the same universe as his delightful Novel "Ringworld"

«درختان کامل» لاری نوین در همان دنیایی تنظیم نشده که رمان جذاب «رینگ‌ورد» او تدوین شده است.

2. Thus "sandshoes" is the word found in our Notrheast area, while "gollies" is found in our Merseyside area.

بنابراین «کفش کتانی» واژه‌ای است که در ناحیه شمال شرقی ما یافت می‌شود؛ اما «کفش پارچه‌ای» در منطقه «مری ساید» ما پیدا می‌شود. در زبان فارسی نیز چنین است:

کارآگاهان سریالی است که مخاطبان خاص خود را دارد.

«فرصت‌طلبان» اصطلاحی است که در مورد این افراد به کار می‌رود.

در زبان فارسی، یکی دیگر از موارد استثنا در مطابقت نهاد و شناسه (فاعل و فاعل)، فارسی مؤذبانه است؛ و آن موقعی است که بخواهیم به مخاطب احترام بگذاریم:

حضرت پیامبر (ص) پس از فتح مکه، دشمنان شکست خورده را بخشیدند.

در این صورت، اگر نهاد ضمیر باشد، به جای ضمیر «تو» و شناسه «ی»، ضمیر «شما» و شناسه «ید» به کار می‌رود:

تو رفته بودی. ← شما رفته بودید.

(a یا an):

~~one milk~~ ~~one water~~ ~~one tea~~
~~two milks~~ ~~two waters~~ ~~two teas~~
~~milk~~ ~~water~~ ~~tea~~

در زبان فارسی نیز این تقسیم‌بندی وجود دارد؛ در این زبان هم در پایان اسامی شمارش‌پذیر می‌توان پسوند جمع‌ساز «ها» یا «ان» قرار داد و قبل از آنها می‌توان معرف‌های عددی به کار برد ولی این دو امکان برای اسامی شمارش‌ناپذیر وجود ندارد:

درخت ← درختان؛ کتاب ← کتاب‌ها

یک درخت، دو درخت، ...؛ یک کتاب، دو کتاب...

شیر ← شیرها (منظور بطری شیر است، نه چند شیر)؛ آب ← آب‌ها (منظور بطری‌های آب یا

پارچ‌های آب است یا نوع آب‌ها، برای مثال آب‌های معدنی، منظور نوع آب است نه چند آب)

یک شیر، دو شیر (منظور یک یا دو بطری یا شیشه یا لیوان شیر است)

یک آب، دو آب (منظور یک یا دو بطری یا شیشه یا لیوان آب است)

یک چای، دو چای (منظور یک یا دو فنجان چای است)

ولی در زبان فارسی «کتاب‌ها» با اینکه جمع است، فعل مفرد می‌گیرد:

کتاب‌ها روی میز است.

مقاله کنید با جمله انگلیسی معادل آن: **کتاب‌ها روی میز است.**

The books are on the table.

۴. از نظر مفهومی، در زبان انگلیسی نیز همانند زبان فارسی، مرز مشخصی بین دو مفهوم

شمارش‌پذیر و شمارش‌ناپذیر وجود ندارد (تقسیم اسامی به جاندار و بی‌جان در زبان فارسی

از جهت مفهومی، همان تقسیم‌بندی اسامی به شمارش‌پذیر و شمارش‌ناپذیر از حیث دستوری

استند و در واقع، در زبان فارسی مرز دقیق و روشنی بین دو مفهوم جاندار و بی‌جان یا شمارش‌پذیر

و شمارش‌ناپذیر وجود ندارد؛ و بعضی اسامی دارای مفهوم انتزاعی و یا نام مواد اگر در مفهوم عام

شمارش‌ناپذیر و شمارش‌پذیر و به‌مانچه در معنای خاص به کار برده شوند، شمارش‌پذیر است.

استفاده می‌شود، از جمله به جای فعل‌های بخورید، بخوانید، بنویسید، بنشینید...؛ یعنی در حقیقت، فعل اصلی جمله (فعل بعد از «بفرمایید») حذف می‌شود: بفرمایید بنشینید. (زبان فارسی ۵ دبیرستان، ۱۳۷۸: ۳۵-۳۶)

در زبان انگلیسی، مطابقت شخص و شمار به شکل انحصاری برای احترام بین نهاد و فعل وجود ندارد؛ چرا که در مورد ضمیر مخاطب، نهاد هر دو شخص (مفرد و جمع) you و در نتیجه فعل هر دو مورد are است (you are) و در مورد ضمائر دیگر، در هر حال، فعل با نهاد مطابقت می‌کند، زیرا افعال در زبان انگلیسی شناسه تعیین‌کننده شخص و شمار به گستردگی زبان فارسی ندارند. برای انگلیسی مؤذبانه، از واژه‌های مؤذبانه استفاده می‌شود.

نتیجه

در زبان انگلیسی هم مانند زبان فارسی، مطابقت فعل و فاعل، به ویژه از جهت شمار، خاصه در گفتار، رعایت نمی‌شود و در نوشتار نیز به دلایل مختلف، از جمله تأثیر اسم یا ضمیری که در گروه اسمی بین هسته گروه اسمی و فعل قرار می‌گیرد، مشکل‌ساز است و در بیشتر موارد، متون مکتوب از این نظر نیز به بازمینی و ویرایش نیاز دارند (گرین باثوم، ۱۹۹۶: ۲۴۱).

1. Depopulation due to plague and migration in the fifth and sixth centuries appear to be responsible for the demise of the lowland British kingdoms.

به نظر می‌رسد کاهش جمعیت به دلیل طاعون و مهاجرت در قرن‌های پنجم و ششم، عامل سقوط پادشاهی‌های انگلستان بوده است.

2. You are, no doubt, aware of the Smith & Jones cases, in which an age limit of 27 years and of 35 years (37 years for clinical staff) were found to be indirectly discriminatory against women,

3. He failed his driving test five times.

پنج بار در امتحان رانندگی رد شد.

4. In ancient/pre historic / recent times

در دوران باستان / پیش از تاریخ / معاصر

مثال ۴: war برای اشاره به «جنگ» به طور عام (در مقابل «صلح») شمارش ناپذیر است:

1. The border incident led to war between the two countries.

حادثه مرزی به جنگ بین دو کشور منجر شد.

2. The government wanted to avoid war at all costs.

دولت می خواست به هر قیمتی مانع از جنگ شود.

اما برای اشاره به جنگی خاص (یا «جنگ» در مفهوم خاص) شمارش پذیر است:

3. He had fought in two wars.

در دو جنگ حضور داشت.

مثال ۵: work در مفهوم عام (به معنای «کار»، «شغل»، «وظیفه») شمارش ناپذیر است:

1. The work of building the bridge took six months.

کار احداث پل شش ماه طول کشید.

2. There is plenty of work to be done in the garden.

کار زیادی در باغ هست که باید انجام شود.

3. I have some work for you to do.

کاری برات دارم که باید انجام بدی.

اما در مفهوم خاص (به معنای «اثر»، «نوشته» و به طور کلی «اثر ادبی / هنری») شمارش پذیر است:

4. The collected / complete works of Shakespear

مجموعه آثار / آثار کامل شکسپیر

5. The works of Beethawen

آثار بتهوون

گفت که فعل شناسه ندارد؛ بلکه باید گفت شناسه فعل، تهی است و به عبارت دیگر، نبودن نشانه در این فعل، خود شناسه‌ای (نشانه‌ای) است که آن را از بقیه شناسه‌ها جدا می‌کند (وند صفر)، مثال:

رفتم (رفت - م) رفتیم (رفت - یم)

رفتی (رفت - ی) رفتید (رفت - ید)

رفت (رفت - Ø) رفتند (رفت - ند)

در مثال بالا، Ø در تقابل با شناسه‌های دیگر (م - ی، - یم، - ید، - ند) قرار گرفته و بنابراین خود به نوعی نشانه است که از روی آن فعل گذشته ساده سوم شخص مفرد مشخص می‌شود.

ب - نهاد اختیاری یا جدا یا منفصل که در ابتدای جمله واقع می‌شود؛ و از این جهت به آن اختیاری می‌گویند که کاربرد آن اختیاری است و می‌توان آن را حذف کرد، زیرا نبودن آن را شناسه فعل جبران می‌کند.

۲. پارامتر جنس در مورد ضمائر در زبان فارسی، منفی و در زبان انگلیسی مثبت است: برای ضمیر

«او» در زبان انگلیسی، سه ضمیر وجود دارد (it, he, she). در مورد ضمیر دوم شخص نیز، پارامتر

شمار در زبان انگلیسی منفی اما در زبان فارسی مثبت است: در زبان انگلیسی ضمیر you هم

برای دوم شخص مفرد و هم برای دوم شخص جمع به کار می‌رود؛ ولی در زبان فارسی، ضمیر

«تو» برای دوم شخص مفرد و ضمیر «شما» برای دوم شخص جمع (یا در حالت احترام، برای دوم

شخص مفرد) به کار می‌رود.

۳. یا می‌توان قبل از آنها معرف‌های عددی (determiner of number) قرار داد:

one book one table

two books two tables

و یا حروف تعریف نامعین (a یا an) قرار دارد:

a book

a table

an armchair

اما قبل از اسامی شمارش‌ناپذیر نه می‌توان معرف‌های عددی قرار داد نه حروف تعریف نامعین

مطابقت فعل و فاعل در دو زبان فارسی و انگلیسی ۱۳۱

(دانش)، (leisure) (فراغت، وقت آزاد)، (luck) (شانس، بخت، طالع)، (poetry) (شعر)، (موسیقی)،
 (آهنگ)، (news) (خبر، اخبار)، (patience) (صبر، حوصله، شکیبایی)، (درخواست، درخواست)،
 (poetry) (شعر)، (poverty) (فقر)، (progress) (پیشرفت، پیشروی)، (در زبان فارسی: «مردم بیستون»
 این اسامی، از واژه‌های دیگر کمک می‌گیرند و آنها را به شکل جمع می‌آورند. مثال:

two pieces of advice → a piece of advice

two pieces of equipment → a piece of equipment

two pieces of information → a piece of information

two pieces of music → a piece of music

two pieces of news → a piece of news

ع. اسم جمع نشانه جمع نمی‌پذیرد و به همین دلیل بهتر است از به کارگیری واژه «مردمان» (اگرچه کاربرد دارد) پرهیز کرد و معرف‌های عددی را نیز نمی‌توان قبل از آنها قرار داد (یک مردم، دو مردم و... نمی‌گویند و نمی‌نویسند)؛ ولی اسم مجموعه، نشانه جمع می‌پذیرد و قبل از آن می‌توان معرف‌های عددی قرار داد (دو گله، سه گله، گله‌ها؛ دو دسته، سه دسته، دسته‌ها). واژه «خانواده» هم اسم جمع است (چون نشانه جمع ندارد ولی با فعل جمع به کار می‌رود): «خانواده من از شیراز برگشتند». و هم اسم مجموعه (چون نشانه جمع می‌پذیرد): «خانواده‌های ایرانی، مهمان نوازند». واژه «ملت» نیز چنین است: ملت در صحنه باشد، / ملت با رأی خود، جواب دندان‌شکنی به دشمن دادند.

۷. در زبان فارسی نیز بعضی اسامی از نظر ظاهر شبیه جمع مکسر عربی هستند ولی مفردند. از جمله، «ابزار» که واژه‌ای پهلوی است (awbzar) (معین، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۱۲۵) و با «ها» جمع بسته می‌شود، مثال: «باد، یکی از ابزارهای جان‌ستایی خلاق توسط عزرائیل است.»؛ «ادات» که جمع آن «ادات» است. جمع‌های بی‌قاعده، به‌ویژه جمع‌های مکسر عربی، در زبان فارسی به اسم مجموعه شدن گرایش دارند (مانند «عملیات» و «تشکیلات») و لذا گاهی آنها را دوباره جمع می‌بندند. این جمع‌بستن — که امروز هم گاه به اشتباه، به‌ویژه در گفتار، انجام می‌گیرد — در گذشته و در متون کلاسیک هم نمونه دارد:

مثال ۱: language برای اشاره به «زبان» به طور عام شمارش ناپذیر است:

خاستگاه‌های زبان

1. The origins of language
2. The development of language skills in young children

رشد مهارت‌های زبان در بچه‌های کم‌سن‌وسال

اما برای اشاره به زبانی خاص، شمارش پذیر است:

3. The Bantu group of languages

گروه زبان‌های بانتو

4. The learning of at least one foreign language

یادگیری حداقل یک زبان خارجی

مثال ۲: light در مفهوم عام (به معنای «نور»، «روشنایی»، ...) شمارش ناپذیر است:

1. The light of the sun
- نور خورشید

اما در مفهوم خاص (به معنای «شخصیت برجسته»، «چهره درخشان»، «کبریت»، «چراغ»، «فندک») شمارش پذیر است:

2. One of the leading lights of the English Renaissance

یکی از چهره‌های برجسته رنسانس در انگلیس

3. He took out a cigarette and asked me for a light.

سیگاری درآورد و از من کبریت خواست.

4. Turn/switch the lights on/off!

چراغ‌ها را خاموش / روشن کن!

مثال ۳: time در مفهوم عام (به معنای «زمان»، «وقت») شمارش ناپذیر است:

1. Time heals all wounds.
- زمان، مرهم همه زخم‌ها است.

2. I don't have (much) time to read these days.

این روزها وقت زیادی برای مطالعه ندارم.

اما در مفهوم خاص (به معنای «بار»، «دفعه»، «دوره»، «روزگار»، «عصر») شمارش پذیر است:

مطابقت فعل و فاعل در دو زبان فارسی و انگلیسی ۱۳۳

زبان فارسی ۵ دبیرستان (تألیف گروهی از زبان شناسان). ۱۳۷۸. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

مشکوٰۃ‌الدینی، مهدی. ۱۳۷۴. دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری. مشهد: دانشگاه فردوسی.

معین، محمد. دی‌ماه ۱۳۴۰. مفرد و جمع. چ ۲. تهران: ابن‌سینا.

_____ . ۱۳۷۱. فرهنگ فارسی. چ ۱. چ ۸. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

نجفی، ابوالحسن. ۱۳۶۷. غلط نویسیم. چ ۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

_____ . ۱۳۷۰. غلط نویسیم. چاپ سوم (با تجدیدنظر). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

Frank, Marcella. 1972. *Modern English, Part 1: parts of speech.*

Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall, Inc.

Greenbaum, Sidney. 1996. *The Oxford English Grammar.* New York:

Oxford University Press, Inc.

Hornby, A. S. 2000. *Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current*

English. ed. by Sally Wehmeier. Oxford University Press.

Messenger, William and Tylor, Peter A. 1989. *Essentials of Writing.*

Scarborough, Ontario, Prentice-Hall Canada, Inc.

Washington Pollock, Carroll. 1982. *Communicate What You Mean.*

Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall, Inc.

از جمله واژه‌های دیگر از این دست عبارتند از:

agreement (توافق، موافقت، عهد، پیمان، قرارداد) home (استخوان در معنای عام = جنس، ماده سازنده / استخوان در معنای خاص = بهیسی از سنگ‌تفت، (دومورد ماهی) تیغ / کمان) business (کار، معامله، تجارت، گانسی / شرکت، کارخانه، کارگاه، کارخانه، جامه)، decision (تصمیم‌گیری / حتم، رأی، تصمیم)، education (آموزش / تحصیل)، fire (آتش در معنای عام / آتش‌سوزی، حریق / شیشه) glass (شیشه = ماده سازنده / لیوان، استکان، جام، پیاله)، history (تاریخ / گزارش یا سند تاریخی)، honor (شرف، عزت، افتخار / جایزه، لقب، درجه)، life (زندگی / عمر)، noise (صدا در معنای عام / صدایی خاص)، pain (درد در مفهوم عام / دردی خاص)، paper (کاغذ به‌عنوان جنس / ورق، سند، مدرک، مقاله، روزنامه)، pleasure (خوشی، شادی، خوشحالی در مفهوم عام / اشاره به یک موقعیت یا شادمانی خاص)، silence (سکوت در معنای عام / اشاره به یک موقعیت خاص)، space (سیهر، گردون، فضا / جای خالی)، stone (سنگ در معنای عام = جنس، ماده سازنده / فلوه‌سنگ، یک تکه سنگ)، thought (فکر، تفکر در معنای عام / ایده، نظر، عقیده، رأی).^۲

۵. بسیاری از اسامی که در زبان‌های دیگر، از جمله زبان فارسی، شمارش‌پذیرند، ممکن است در زبان انگلیسی شمارش‌ناپذیر باشند. بعضی از مشکل‌سازترین این اسامی، به‌ویژه برای فارسی‌زبانانی که انگلیسی می‌آموزند، عبارت‌اند از: advice (پند، نصیحت)، anger (خشم)، courage (جرات، دل‌آوری)، damage (خسارت، زیان / خسار)، equipment (تجهیز، لوازم، وسایل / تجهیزات و وسایل / لوازم، نیاز و بزرگ)، fun (تفریح، سرگرمی؛ شوخی)، homework (مشق، تکلیف، تکالیف)، ignorance (جهل، نادانی)، informant (اطلاعات، خبر)، knowledge

Butter is sometimes made of eggs.

The cat has a lot of bones to it.

.....

.....